

# مفهوم، گونه‌شناسی و موقعیت‌یابی بازار در دامنه کتاب و سنت\*

یاسر عباسی\*\*

چکیده

۱۵۵



سال دوازدهم / شماره ۲۲ / بهار و تابستان ۱۴۰۰

بازار یکی از مفاهیم کلیدی در زندگی بشر از گذشته تا امروز بوده است. این عنصر از جهات مختلفی همچون صنف، شاکله جغرافیایی، تخصصی یا عمومی بودن عرضه کالا، اثرگذاری در حوزه شهرسازی، خرده‌فروشی و عمده‌فروشی در علوم مختلفی همچون اقتصاد و جامعه‌شناسی و شهرسازی مورد توجه قرار گرفته است. شناخت مفهوم و تصویر جغرافیایی از بازار و گونه‌شناسی آن در بستر تاریخی حضور معصومان علیهم‌السلام می‌تواند زمینه بررسی این پدیده را از منظر سبک زندگی اسلامی آن دوره فراهم آورد و امکان‌سنجی الگوپذیری آن در رشته‌های مختلف مورد مطالعه قرار گیرد. این نوشته به دنبال بررسی مفهوم سوق (بازار) می‌باشد تا با شناخت بازار و گونه‌شناسی آن و ترسیم تصویر جغرافیایی و موقعیت‌یابی بازارهای دوره حضور معصومان را پیدا کند و مسیر تحقیق و پژوهش در این عرصه را هموار نماید و خمیرمایه علوم مختلف انسانی در این عرصه را بنا کند و فرصت پژوهش در الگوپذیری بازار اسلامی در عصر کنونی را ایجاد نماید.

واژگان کلیدی: سوق، بازار، بازار اسلامی، سبک زندگی اسلامی.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۵ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳.

\*\* مدرس مرکز تخصصی علوم حدیث، حوزه علمیه قم، ایران: (yaabs1@gmail.com).

موضوع «بازار» از جمله مفاهیم پردامنه و کاربردی است که به پهنای بسیاری دانش‌ها گسترانیده شده است. دانش‌های انسانی و اسلامی از دیرباز تا به امروز همواره در مورد این مفهوم سخن به میان آورده‌اند. دانش‌های از جنس فقه، تاریخ، جغرافیا، لغت همواره در آغوش مطالب خود این موضوع را نیز در بر گرفته‌اند. این اهتمام و توجه در دانش‌های روز مانند جامعه‌شناسی، شهرسازی، زیباشناسی نیز با عمق بیشتری استمرار پیدا کرده است. از این رو مطالعه و بررسی مفهوم بازار و چیستی آن و تصویر تاریخی آن و گونه‌شناسی و موقعیت‌یابی در دامنه کتاب و سنت و تخمین بازه زمانی فعالیت‌های بازارها در دوره حضور معصومان در تکمیل منظومه فکری دینی برای هر دانشجو و پژوهشگری کمک شایانی خواهد نمود و از سوی دیگر خمیرمایه اصلی معرفتی برای یافته‌های نویی از سوی رهروان مسیر پژوهش را فراهم خواهد آورد. علاوه بر این می‌توان از تحلیل داده‌های قرآن کریم و احادیث معصومان در این زمینه، در درک بهتر و ارزیابی دقیق‌تر مسائل دانش مختلفی همچون فقه، تاریخ و جغرافیا و جامعه‌شناسی بهره برد و اکتشافاتی در سازه‌های فکری در حوزه فرهنگ اقتصادی اسلام و معماری اسلامی، شهرسازی اسلامی و باستان‌شناسی و دانش روز دیگر بهره برد. این اثر گذاری محدود به آنچه ذکر شد نیست و گشایشی است برای دروازه فعالیت‌های دانشی و پژوهشی برای آنچه که تاکنون باز نشده است. نوشته پیش رو به دنبال ارائه یک تصویر جامع از ابر مفهوم «بازار» در دامنه کتاب و سنت، مفهوم‌شناسی خرد، موقعیت‌یابی، تخمین بازه زمانی و گونه‌شناسی آن می‌باشد تا قدمی را در مسیر نیل به اهداف فوق برداشته باشد.

«بازار» به‌عنوان یک حقیقت ضروری زندگانی در میان بشر در دوران حضور معصومان علیهم‌السلام عینیت خارجی داشته است. هیچ بازه زمانی یا نقطه جغرافیایی از دایره نیازمندی به آن بیرون نبوده است. قرآن کریم و احادیث معصومان علیهم‌السلام نیز این مفهوم را به شکل‌های مختلف بازتاب نموده‌اند. فقیهان شیعه و عامه نیز بسته به اهداف علمی خویش به این مفهوم از منظر فقه و قواعد فقهی پرداخته‌اند.<sup>۱</sup> تاریخ‌دانان و جغرافیاشناسان نیز در نوشته‌های تاریخی و جغرافیایی خویش از این مفهوم سخن به میان آورده‌اند.<sup>۲</sup> در همه این پردازش‌ها مفهوم بازار نه به‌عنوان محور اصلی بحث بلکه با نگاه حاشیه‌ای و برون‌هدفی مورد مطالعه قرار گرفته است. شاید در میان انبوه نوشته در حوزه

۱. ر.ک: قواعد الفقهية، ج ۴، ص ۱۵۰.

۲. ر.ک: معالم مكة التاريخية والأثرية؛ معجم البلدان و... .

بازارهای اسلامی به معنوی آثار میتوان اشاره نمود که به صورت متمرکز به بحث بازارها در دوره صدر اسلام پرداخته‌اند. همچون کتاب «أسواق العرب فی الجاهلیة و الإسلام» نوشته سعید افغانی که تلاش فراخوری در تبیین بازارهای دوره جاهلیت و صدر اسلام انجام داده است. اما نکته قابل توجه این است که اغلب این پژوهش‌ها از جنس گزارشات تاریخی یا جغرافیایی است و مطالعه و بررسی این مفهوم بر اثر در دامنه کتاب و سنت معصومان علیهم‌السلام به صورت تخصصی مورد توجه و اهتمام قرار نگرفته است. این مقاله به دنبال مطالعه و بررسی بازار در دامنه کتاب و سنت و مفهوم‌شناسی، موقعیت‌یابی و گونه‌بندی و تخمین بازه زمانی فعالیت بازارهای است که در خود این دامنه بازتاب یافته‌اند تا به یک منظومه فکری از درون تقلین درست رهنمون شویم. این منظومه فکری در ایجاد ارتباط میان یافته‌های گنجینه‌های قرآنی و حدیثی و علوم مختلف انسانی اثرگذار خواهد بود و به نوعی بازخوانی و رصد و ارزیابی اطلاعات دانش‌های دیگر به شمار می‌آید. از سوی دیگر بررسی این کلان مفهوم در فهم و ادراک معارف دینی و تحلیل درونی میان آن کمک شایانی خواهد داشت و زمینه برای پژوهش‌های مختلفی در این عرصه را برای همه دانشمندان در همه عرصه‌ها می‌گشاید. از جمله این زمینه‌ها می‌توان به نحوه جاگیری بازار در جغرافیای کشوری و شهری اشاره نمود که الگوی بازارها در عصر حضرات معصومان علیهم‌السلام و تعدد صنفی و وسعت کمی و کیفی و وجود بازارهای خاص یا دوره‌ای در مطالعات علوم مختلف قرار گیرد.

### الف. مفهوم‌شناسی بازار در زبان عربی

بازار در زبان عربی معاصر معادل واژه «سوق» می‌باشد.<sup>۱</sup> این معادل‌یابی با مراجعه به فرهنگ لغت فارسی به عربی انجام شده است. از سوی دیگر در فرهنگ لغت‌های عربی به فارسی برای واژه سوق معنای بازار درج شده است<sup>۲</sup> و با مراجعه به قاموس عربی نیز با تعریف و تحدید مفهوم این تقابل و تعادل قابل اثبات است. همان گونه که در معجم الوسیط این گونه می‌خوانیم:

السُّوقُ: الموضعُ الذی یجلبُ إليه المتاعُ و السَّلْعُ للبیع و الاتبیاع (تَوَثُّت و تَدَكَّر).<sup>۳</sup>

در منابع لغوی دست اول، زمخشری در «مقدمة الأدب» نیز سوق به بازار ترجمه شده است.

۱. السُّوق - ج أسواق [سوق]: بازار. این واژه کاربرد مذکر و مؤنث دارد (فرهنگ ابجدی، ج ۱، ص ۵۰۵).  
 ۲. فرهنگ المعجم الوسیط عربی فارسی، ج ۱، ص ۹۹. ترجمه و معنای سوق به فارسی عربی - فارسی در فرهنگ لغت اصطلاحات همه صفحه ۱ (almaany.com).  
 ۳. فرهنگ المعجم الوسیط عربی فارسی محمد بندر ریگی، جلد ۱، ص ۹۹؛ ترجمه و معنای سوق به فارسی عربی - فارسی در فرهنگ لغت اصطلاحات همه صفحه ۱ (almaany.com).

همچنین در کتاب «العین» سوق را از مفاهیم روشن و شناخته‌شده و جایی برای خرید و فروش معرفی می‌کند.<sup>۱</sup>

باید توجه نمود واژه سوق در زبان عربی به دو گونه تلفظ می‌شود: سُوق (مضموم الفاء) و سَوَق (مفتوح الفاء). گونه اول: به ضم سین است دارای دو معنا می‌باشد معادل مفهوم «بازار» و همچنین جمع واژه ساق می‌باشد<sup>۲</sup> که واژه «ساق» به معنای ساق پا می‌باشد.<sup>۳</sup> گونه دوم: به فتح سین می‌باشد به معنای سوق دادن و رانندگی کردن و راندن است.<sup>۴</sup> با توجه به این موضوع نوشته «بازار» نتایج جستجو در دامنه کتاب و سنت را معطوف به گونه لفظی اول یعنی مضموم الفاء قرار می‌دهیم. از سوی دیگر چون امکان تفکیک نتایج جستجو با دقت حرکات وجود ندارد با توجه به معنا و قرائن نتایجی که به معنای بازار است را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

باید توجه نمود مفهوم مغازه یا دکان که یک جزء از بازار به حساب می‌آید در عربی با واژگانی همچون «دکان»، «حانوت» معادل است. با توجه به هدف پژوهی مقاله در مفهوم «بازار» از این واژه‌ها صرف نظر می‌کنیم.

در جستجو آبرواژه «سوق» حالت‌های مختلف آن را در قالب‌های مفرد و جمع<sup>۵</sup> «سوق، السوق، أسواق، الأسواق» و با همه حالت‌های اعرابی در متن قرآن کریم مورد جستجو قرار داده شده است.

دامنه پژوهش سنت نیز به همه منابع حدیثی موجود در نرم افزار جامع الأحادیث نسخه ۳/۵ مراجعه شده و دامنه جستجو را منحصر به متن حدیث تنظیم گشته است. و شروح حدیث یا کتب مرتبط و مقدمات کتب در دامنه جستجو تعریف نشده است.

### ب. واژه بازار «سوق» در دامنه کتاب و سنت

با جستجو واژه سوق در قرآن کریم و احادیث معصومان علیهم‌السلام طبق شیوه‌ای که بیان شد نتایج زیر حاصل گشت. که به تفصیل به آن می‌پردازیم.

۱. «السُّوقُ معروفة، و السُّوقُ موضع البياعات» (کتاب العین، ج ۵، ص ۱۹۱).
۲. «فالسُّوق جمع ساقٍ مثل دارٍ و دُورٍ؛ الجوهری: الجمع سُوَق، مثل أُسَدٍ و أُسْد» (لسان العرب).
۳. «السَّاقُ من الإنسان: ما بین الركبة و القدم، و من الخیل و البغال و الحمیر و الإبل: ما فوق الوَطِيف، و من البقر و الغنم و الطباء، السَّاقُ فی اللغة الأمر الشدید» (لسان العرب).
۴. «السُّوق: معروف. ساق الإبل و غیرها یسوقها سَوْقاً و سیاقاً، و هو سائقٌ و سَوَّاقٌ» (لسان العرب).
۵. «و السُّوق: موضع البياعات. و الجمع أسواق» (لسان العرب).

## ۱. واژه «سوق» در قرآن کریم

واژه «سوق» به معنای بازار در قرآن کریم تنها دو بار به صورت «الأسواق» که جمع سوق می‌باشد و معنای آن بازارها است ذکر شده است.<sup>۱</sup> واژه‌های دیگری از ریشه «س و ق» در قرآن کریم آمده است به معانی دیگری همچون «روانه کردن»<sup>۲</sup> و «ساق پا»<sup>۳</sup> می‌باشد.

این دو استعمال قرآنی ناظر به مفهوم بازار بدون اشاره به ویژگی خاصی است. بلکه به اصل مفهوم آن و نه تنها در دوره اسلامی در همه ادوار زندگی پیامبران اشاره دارد. یکی از پیام‌های مهم که از این دو آیه برداشت می‌شود این است که خرید و فروش و رفت و آمد در بازار به قصد برطرف کردن نیازهای مالی از جمله واقعیت‌های غیر قابل انکار زندگی بشر است و پیامبران الهی نیز از این حقیقت استثناء نیستند. به نوعی نفی رهبانیت و زهد غلط است.<sup>۴</sup>

پس قرآن کریم وجود بازار و رفت‌وآمد در آن به جهت رفع نیازهای زندگی را جزئی ضروری از زندگی بشر می‌داند. و با این تصریح امضایی، تأسیس بازار در اقتصاد اسلامی را تأیید کرده و مشروعیت می‌بخشد.

## ۲. بررسی ابرواژه «سوق» در منابع حدیثی شیعه

میراث حدیثی شیعه که حاکی از سنت پیامبر عظیم الشان اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت و جانشینان برحق ایشان است، فراوانی کاربرد واژه «بازار» را بازتاب می‌کند و بیانگر وفور و کثرت استعمال واژه «سوق» در دامنه احادیث می‌باشد.

با جستجوی «سوق» به گونه‌های لفظی «سوق»، «السوق»، «أسواق»، «الأسواق» در منابع حدیثی شیعه در سایت جامع الأحادیث<sup>۵</sup> و نرم افزار جامع الأحادیث مرکز تحقیقاتی نور، نتایج مختلفی

۱. فرقان: ۷ و ۲۰.

۲. «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ» (سجده: ۲۷) «وَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وَرِثًا» (مریم: ۸۶).

۳. «رُدُّوْهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَ الْأَعْنَاقِ» (ص: ۳۳): «مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ وَ الَّذِيْنَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَي الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُوْنَ فَضْلًا مِنَ اللهِ وَ رِضْوَانًا سِيْمَاهُمْ فِي وُجُوْهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُوْدِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيْلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوْقِهِ يُعْجَبُ الزَّرَّاعُ لِيَغِيْظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللهُ الَّذِيْنَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْرًا عَظِيْمًا» (فتح: ۲۹).

۴. حدید: ۲۷.

۵. سایت جامع الأحادیث، www.hadith.inoor.ir.

به دست آمد که به شرح ذیل است:

۱۴۰۴ مورد در بردارنده واژه مذکور به صورت یکی گونه‌های لفظی ذکر شده آن می‌باشد. ۳۶۰ مورد در بردارنده واژه سوق به صورت «سوق» بدون «ال» می‌باشد. که به صورت منون یا مضاف استعمال شده است. ۷۰۶ حدیث در بردارنده واژه سوق به صورت «السوق» با «ال» می‌باشد. که به حالت‌های اعرابی مختلفی استعمال شده است. ۳۰۰ مورد از احادیث حاوی واژه «الأسواق» بوده است و ۸۱ مورد نیزه واژه «أسواق» را در برداشته است. در برخی احادیث هم چند واژه با هم بکار رفته است که تعداد نتایج کلی را با نتایج جزئی متفاوت می‌کند.

۱۶۰



در نتایج حاصل شده تعداد بسیار محدودی واژه سوق به صورت «مفتوح الفاء» استعمال شده که معانی از جمله «روانه ساختن<sup>۱</sup>، پا و...» است.

۳

باقی احادیث واژه سوق را به صورت «مضموم الفاء» و جمع آن به کار رفته است که معادل مفهوم بازار در فارسی می‌باشد. همین نتایج را مورد بررسی قرار خواهیم داد با تحلیل داده‌های به ترسیم ماهیت و حقیقت تاریخی و جغرافیایی بازار مسلمین دست خواهیم یافت.

گزارش اولیه از آبرواژه بازار «سُوق» در دامنه حدیث نشان می‌دهد که این کلمه در ۴۸ مصداق از معنای لغوی خود «بازار» به کار رفته است. مصادیق عمدتاً با اضافه به مکان قرارگیری یا کالای عرضه شده، اهل و صاحبان، دین و مذهب رائج بازار مورد نظر از معنای عام تفکیک شده‌اند. در ادامه به ذکر این مصادیق و توصیف آن می‌پردازیم.

### گونه‌شناسی بازار در احادیث شیعه

واژه سوق «بازار» در احادیث با توجه به نحوه استعمال آن به صورت مطلق یا مقید و نوع قید آن به چهار دسته کلی قابل تقسیم است.

۱. مفهوم بازار بدون قید: یعنی مواردی که واژه سوق بدون هیچ قیدی استعمال شده است.<sup>۲</sup>
۲. مفهوم بازار مقید به قیود عام: بازار در این موارد همراه قیود کلی همچون مسلمین یا جاهلیت ذکر شده است.

بازار مسلمین: احادیثی که در آن واژه سوق مقید به واژه مسلمین است.<sup>۳</sup> این احادیث از اهمیت

۱. الکافی، ج ۴، ص ۳۷۳.

۲. الخصال، ج ۲، ص ۴۰۳.

۳. الکافی، ج ۵، ص ۱۵۵.

فراوانی برخوردار است چراکه عمدتاً به ویژگی‌های بازار مسلمین و مبانی تجارت در آن پرداخته است.

بازار جاهلیت: احادیثی که به بازاری در دوران جاهلیت اشاره می‌کند.<sup>۱</sup> این احادیث نیز کمک شایانی به درک بهتر از ویژگی‌های بازار در دوران قبل از اسلام می‌کند.

۳. بازارهای مقید به مکان: احادیثی که به بازار در یک مکان خاص دلالت دارد و واژه سوق را به مکان مقید نموده است. مانند سوق البصرة؛<sup>۲</sup> این احادیث ما را در بحث شناخت جغرافیای بازار دوره اسلام رهنمون می‌سازد و نحوه پراکندگی و تراکم مکانی بازار مسلمین را ترسیم می‌کند. سوق المدینه،<sup>۳</sup> سوق الکوفة،<sup>۴</sup> سوق بصری،<sup>۵</sup> اسواق الکوفة،<sup>۶</sup> سوق الشام،<sup>۷</sup> سوق الجبل،<sup>۸</sup> سوق منی،<sup>۹</sup> سوق حباشة،<sup>۱۰</sup> خباشة، سوق بدر الصغری،<sup>۱۱</sup> سوق الأهواز،<sup>۱۲</sup> أسواق دمشق،<sup>۱۳</sup> اسواق سرمن رأی<sup>۱۴</sup>

۴. بازارهای مقید به زمان: هرچند تنها یک نوع از این احادیث وجود دارد که مقید به لیل (شب) می‌باشد مانند سوق اللیل،<sup>۱۵</sup> اما نمونه‌ای از بازارهای موقت رایج در امروزه می‌باشد که در روز یا فصل خاصی برپا می‌شود. نکته بسیار مهم این است که از این نوع احادیث می‌توان دریافت شکل و زمان در برپایی بازار محدود به یک نوع خاص نمی‌باشد و بسته به نیاز اقتصادی مردم می‌توان بازارهای مختلفی را ایجاد نمود.

۵. بازارهای مقید به کالای خاص: در میان احادیث گاهی واژه سوق (بازار) به کالای غالب در آن متصف می‌شده که به نوعی بازار ویژه و تخصصی برای آن کالا به‌شمار می‌آمده است. مانند سوق

۱. بحار الأنوار، ج ۲۰، ص ۴۲.
۲. الأملی (للمفید)، ج ۱، ص ۱۱۸.
۳. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۲۸۲.
۴. عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۴۱۱.
۵. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۱۹۰.
۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۹۳.
۷. بحار الأنوار، ج ۱۵، ص ۱۹۳.
۸. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۹۲.
۹. تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۳۱۶.
۱۰. کشف الغمة، ج ۱، ص ۵۰۹.
۱۱. بحار الأنوار، ج ۲۰، ص ۴۲.
۱۲. دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۵۳۲.
۱۳. اللهوف علی قتلی الطفوف، ج ۱، ص ۱۷۴.
۱۴. دلائل الإمامة، ج ۱، ص ۴۲۶.
۱۵. دلائل الإمامة، ج ۱، ص ۸۵.

الدواب،<sup>۱</sup> سوق ابل،<sup>۲</sup> سوق الكرايبس،<sup>۳</sup> سوق السمك،<sup>۴</sup> سوق الزيت،<sup>۵</sup> سوق القطن،<sup>۶</sup> سوق بغل،<sup>۷</sup> سوق الغنم،<sup>۸</sup> سوق الطعام،<sup>۹</sup> سوق النحاس.<sup>۱۰</sup>

۶. بازارهای مقید به حرفه خاص: احادیث مختلفی بازار را به صاحبان حرفه و نوع شغل مقید نموده است. مانند سوق التمارین،<sup>۱۱</sup> سوق الحناطین،<sup>۱۲</sup> سوق البراذین،<sup>۱۳</sup> سوق الصاغة.<sup>۱۴</sup>

۷. بازار مقید به قبیله یا گروه خاص: در برخی موارد نیز بازار به قبیله خاصی اختصاص داشته یا اغلب افراد یک قبیله در آن تجارت می‌کرده‌اند. مانند سوق بنی قیقاع،<sup>۱۵</sup> سوق بنی الحاضر،<sup>۱۶</sup> سوق بنی اسرائیل،<sup>۱۷</sup> سوقکم،<sup>۱۸</sup> أسواقهم، سوقنا، سوقک (دکان).

### موقعیت‌شناسی بازارهای ذکر شده در احادیث شیعه

در تعیین موقعیت جغرافیای بازارهای ذکر شده باید توجه نمود که در برخی موارد که مطلق بازار ذکر شده و اشاره به یک بازار مشخص نشده است. طبیعتاً موقعیت جغرافیایی خاصی مورد نظر نخواهد بود. و در مورد بازارهای خاص و مقید می‌توان در غالب دو دسته آنها را بررسی نمود:

۱. المناقب، ج ۴، ص ۴۳۴.
۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، ص ۲۷۲.
۳. مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۰.
۴. مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۱.
۵. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۹۷.
۶. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۰۵، در سند حدیث آمده است.
۷. بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۴۳.
۸. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۷۲.
۹. عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۷۹۱.
۱۰. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۲۳۴.
۱۱. الکافی، ج ۵، ص ۲۳۰.
۱۲. الکافی، ج ۵، ص ۴۰۴.
۱۳. وقعة صفین، ج ۱، ص ۹۴؛ در برخی نسخه‌ها «برارین» ذکر شده است.
۱۴. الهدایة الکبری، ج ۱، ص ۳۳۱.
۱۵. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم‌السلام، ج ۲۰، ص ۲.
۱۶. نوادر المعجزات، ج ۱، ص ۱۳۸.
۱۷. بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۳۲۱.
۱۸. المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۶.



۱. مفید به مکان خاص: با توجه به قید مکان می‌توان، حدود موقعیت جغرافیایی آن را یافت.  
 ۲. مفید به غیر مکان: این بازارها با توجه به قرائن موجود در متن روایات بعضا قابل تعیین هستند. برخی از این بازارها به خاطر نبود هیچ قرینه دال بر مکان و موقعیت جغرافیایی، قابل تعیین محدوده جغرافیایی نیستند.

نکته قابل توجه این است که این مقاله به دنبال تعیین موقعیت بازارهای وارده شده در احادیث از قرائن موجود در خود احادیث می‌باشد. تا داده‌های به دست آمده، اطلاعاتی کاملا درون حدیثی باشد لذا از گزارشات تاریخی یا جغرافیایی در موقعیت‌شناسی استفاده نشده است. تنها از این گزارشات به عنوان شاهد یا قرینه بر یافته‌های درون حدیثی بهره گرفته شده است.

### تعیین مفهوم، موقعیت، بازه زمانی بازارهای ذکر شده در احادیث شیعه

در ادامه به تفصیل هر کدام از عناوینی که به عنوان بازار در دامنه احادیث شیعه ذکر شده است را مفهوم‌شناسی کرده و موقعیت جغرافیایی آن در صورتی که روشن باشد معین نموده و بازه زمانی برپا بودن آن را معرفی خواهیم کرد.

۱. أسواق العرب: <sup>۱</sup> یک عنوان عام برای بازارهای موجود در دوران رسول خدا ﷺ بوده است و ظاهرا مراد از آن بازارهای دوره جاهلیت می‌باشد.

۲. سوق الجاهلیة: <sup>۲</sup> این عنوان در همه موارد با این عبارت «كان موضع سوق لهم في الجاهلية» در حدیث ذکر شده است و به مکانی اشاره دارد که در آنجا در عصر جاهلیت بازاری برپا بوده و در مکه مکرمه قرار داشته است؛ مانند «ذی المجاز، <sup>۳</sup> چاه بنی کنانه؟ و...».

۳. سوق بدر الصغری (جاهلیت): <sup>۴</sup> همان بازاری است که در ایام جاهلیت در چاه بنی کنانه برپا بوده است.

۴. سوق بصری: <sup>۵</sup> بصری نزدیکی شام و از بزرگترین شهرهای آن در بازه زمانی جاهلیت به شمار می‌آید و مرکز شهر حوران بوده است. قبائل نبط برای تجارت میان حجاز و شام همواره در آن رفت و

۱. تفسیر القمی، ج ۱، ص: ۱۸۹

۲. مناقب آل ابی طالب (لابن شهر آشوب)، ج ۱، ص: ۱۹۰

۳. تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، ج ۵، ص: ۱۷۹

۴. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۰، ص: ۴۲

۵. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۳، ص: ۲۶۷

۶. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص: ۱۸۸

- آمد می کردند و محلی برای توقف کاروان‌های تجاری نیز به حساب می آمده است.<sup>۱</sup>
۵. سوق بنی اسرائیل: <sup>۲</sup> احادیث وارده شده ناظر تاریخ بنی اسرائیل و پیامبران گذشته همچون خضر علیه السلام می باشد.
۶. سوق النبط: <sup>۳</sup> این بازار برای اهل یهود بوده که در منطقه بنی قنیقاع که در اطراف مدینه قرار داشته است.<sup>۴</sup>
۷. سوق بنی قنیقاع<sup>۵</sup> نواحی مدینه: این بازار در اطراف مدینه قرار داشته که یهودیان اطراف مدینه در آن خرید و فروش می کردند.
۸. سوق المسلمین: <sup>۶</sup> یک اصطلاح عام برای هر نوع بازار که مسلمانان در آن تجارت می کنند. که اشاره به مکان خاصی ندارد. اغلب این احادیث ناظر به دوران امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام است.<sup>۷</sup> هرچند این اصطلاح از زبان مبارک این دو امام از حضرت علی علیه السلام نقل شده<sup>۸</sup> و درباره قواعد و احکام کلی بازار مسلمین مطالبی بیان شده است.
۹. اسواق الکوفة: <sup>۹</sup> اشاره به بازارهای کوفه به صورت عام دارد. احادیث وارده شده در رابطه با سیره حضرت علی علیه السلام در حضور در بازارها و تذکر و توصیه به ایشان می باشد.
۱۰. سوق الکوفة: <sup>۱۰</sup> به قرینه مضاف الیه در کوفه قرار داشته است. در دوران حضرت علی و امام

۱. سعید افغانی، کتاب أسواق العرب فی الجاهلیة و الإسلام، ص ۳۶۴.

۲. أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۳۵۰.

۳. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۹۷.

۴. همان.

۵. الأنوار فی مولد النبی صلی الله علیه و آله، ص ۲۵؛ کتاب صحیح البخاری ت البغا - باب إیاء النبی صلی الله علیه و آله بین المهاجرین والأنصار، ص ۱۳۷۸، حدیث ۳۵۶۹.

۶. قرب الإسناد، ص ۳۸۵.

۷. الکافی، ج ۳، ص ۳۹۸.

۸. الکافی، ج ۵، ص ۱۶۱.

۹. الکافی، ج ۵، ص ۱۵۱.

۱۰. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۲.

حسین و امام باقر و امام صادق علیهم السلام برپا بوده است.<sup>۱</sup>

۱۱. سوق البصرة: <sup>۲</sup> این بازار در شهر بصره قرار داشته است و در منابع تاریخی و جغرافیایی متعددی از وجود بازاری در بصره با همین نام خبر داده‌اند.<sup>۳</sup> ظاهراً در بصره بازارهای مختلفی وجود داشته که انواع کالاها خرید و فروش می‌شده‌اند. گزارش جمهرة اللغة نیز تأییدی بر این مدعاست.<sup>۴</sup> یکی از این بازارها سوق الإبل می‌باشد.

۱۲. سوق المدينة: <sup>۵</sup> بازاری به قرینه مضاف الیه در شهر مدینه قرار داشته است.<sup>۶</sup> در نزدیکی محله بقیع واقع شده است. در دوران حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و امام باقر علیه السلام از این بازار در احادیث یاد شده است.<sup>۷</sup>

۱۳. سوق منی: <sup>۸</sup> این بازار در منی قرار داشته و در دوران غیبت صغری برپا بوده است.<sup>۹</sup>

۱۴. أسواق دمشق: <sup>۱۰</sup> ناظر به دوران اقامت حضرت سجاده علیه السلام در دمشق می‌باشد.

۱۵. اسواق سرمن‌رأی: <sup>۱۱</sup> ناظر به دوران امام حسن عسکری علیه السلام بوده است و سرمن‌رأی همان سامراء امروزی می‌باشد.

۱. الکافی، ج ۳، ص ۴۷۴.

۲. الامالی (للمفید)، ص ۱۱۹.

۳. تاریخ الطبری؛ تاریخ دمشق لابن عساکر.

۴. «المؤبد أو مرید البصرة أو سوق المرید، سوق من الأسواق القديمة فی البصرة و یبعد عن مدینة البصرة ثلاثة أمیال. كانت تقام فیه مبارزات فی الشعرین الفرزدق و جریر عرفت بشعر النقائض، كان فی الجاهلیة حتی عصر الخلفاء سوقاً للإبل و كانت تحبس فیه الإبل و لذلك سمی بالمرید. وأهل المدینة یطلقون علی المكان الذی یجفف فیه التمر مریدا» (لسان العرب).

۵. الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۵، ص ۱۶۱.

۶. همان.

۷. دلائل الإمامة (ط - الحدیثة)، ص ۱۴۴، حدیث ۵۱؛ تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، ج ۷، ص ۲۰۹، حدیث

۲۳، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)؛ ج ۱۰، ص ۲۰۶، حدیث ۱۷.

۸. الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، ج ۴، ص ۴۷، حدیث ۵.

۹. همان.

۱۰. اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه فهری، ص ۱۹۳.

۱۱. دلائل الإمامة، ص ۴۲۶.

۱۶. سوق الشام: <sup>۱</sup> این بازار در شهر شام (سوریه فعلی) قرار داشته و در دوران رسول خدا برپا بوده است.

۱۷. سوق ابل: <sup>۲</sup> بازاری که اختصاص به خرید و فروش شتران داشته است و با توجه به قرائن داخلی روایت «کنت بمسجد الکوفة» و همچنین «دار ابي معیط» این بازار در شهر کوفه قرار دارد. در معجم البلدان نیز به قرار گرفتن بازار شتران در شهر کوفه تصریح شده است. <sup>۳</sup> نباید این گمان برده شود که این همان بازار شتران «سوق الإبل» در شهر بصره است. چراکه فاصله این دو شهر در حدود ۳۶۶ کیلومتر به مقیاس امروزی می باشد و احتمال یکی بودن این دو را منتفی می کند.

۱۸. سوق الکراییس: <sup>۴</sup> این بازار در ناحیه دارالفرات (کوفه) بوده است که برای خرید و فروش لباس <sup>۵</sup> محل رفت و آمد تاجران بوده و در نزدیکی سوق الإبل قرار داشته و ناظر به دوران حضرت علی علیه السلام است. <sup>۶</sup>

۱۹. سوق القمیص: <sup>۷</sup> قمیص به معنای لباس است <sup>۸</sup> و این بازار محلی برای فروش لباس بوده و حدیث ناظر به دوران حضرت علی علیه السلام است. به قرینه احادیث مشابه، همان سوق الکراییس مراد است. <sup>۹</sup>

۲۰. سوق الدواب: <sup>۱۰</sup> بازار خرید و فروش چهارپایان که در شهر ری برپا بوده است. حدیث از زبان مبارک امام صادق علیه السلام می باشد. <sup>۱۱</sup> همچنین در سامراء نیز چنین بازار وجود داشته است. <sup>۱</sup>

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۱۸۶.

۲. «عَنْ أَبِي مَطَرٍ قَالَ: خَرَجْتُ مِنَ الْمَسْجِدِ فَإِذَا رَجُلٌ ينادي مِنْ خَلْفِي إِزْفَعُ إِزْرَاكَ فَإِنَّهُ أَبَقَى لثَوْبِكَ... رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ قَالَ هَذَا عَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَتَّى انْتَهَى إِلَى دَارِ بَنِي مُعَيْطٍ وَهُوَ سُوقُ الْإِبِلِ».

۳. «المرید: من أشهر محال البصرة، و كان يكون فيه سوق الأبل قديماً، ثم صار محلة عظيمة سكنها الناس، و به كانت مغافرات الشعراء و مجالس الخطباء» (معجم البلدان، ج ۵، ص ۹۸).

۴. الغارات، ج ۱، ص ۶۵.

۵. لسان العرب، ج ۶، ص ۱۹۵.

۶. همان.

۷. كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة)، ج ۱، ص ۳۹۹.

۸. لسان العرب، ج ۷، ص ۸۳.

۹. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، ص ۲۸۵.

۱۰. الکافی، ج ۸، ص ۱۷۷.

۱۱. همان.

۲۱. سوق التمارین: <sup>۲</sup> در دوران حضرت علی علیه السلام برپا بوده و در کوفه قرار داشته است. <sup>۳</sup>

۲۲. سوق السمک: <sup>۴</sup> به قرینه احادیث در کوفه و نزدیکی سوق التمارین قرار داشته و در دروان حضرت علی علیه السلام برپا بوده است. در این بازار ماهی و آبیان می فروختند. احتمالاً با نام‌های دیگری همچون «سوق الحیطان» نیز شناخته می‌شد. <sup>۵</sup> سوق السمک و التمارین واللحامین در یک جا قرار داشته است. <sup>۶</sup>

۲۳. سوق الحناتین: <sup>۷</sup> همه احادیث وارد شده ناظر به دوران امام موسی بن جعفر علیه السلام بوده و این بازار در مکه قرار داشته است. <sup>۸</sup>

۲۴. سوق النُّحَّاس: <sup>۹</sup> «نُّحَّاس» در لغت به معنای مس و نُّحَّاس فروشنده ظروف مسی است. <sup>۱۰</sup> این بازار اختصاص به مسگرها بوده و همه احادیث وارد شده ناظر به دوران امام صادق علیه السلام می‌باشد. احتمالاً نام دیگر «سوق النحاسین» که در مکه قرار داشته، است. <sup>۱۱</sup>

۲۵. سوق اللیل: <sup>۱۲</sup> اضافه آن به شب، اشاره دارد که تنها در شب برپا می‌شده است. <sup>۱۳</sup> این بازار

۱. الغیبة (للطوسی)، ص ۲۱۶.

۲. الکافی، ج ۵، ص ۲۳۰ حدیث ۴.

۳. مکارم الأخلاق، ص ۱۰۰.

۴. الکافی، ج ۵، ص ۲۳۰ حدیث ۴، مکارم الأخلاق، ص ۱۰۰.

۵. الکافی، ج ۶، ص ۲۲۰.

۶. مکارم الأخلاق، ص ۱۱۲، کتاب الزهد، اصبع بن نباته.

۷. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص ۴۰۴، حدیث ۸.

۸. سوق الحناتین و النحاسین در مکه و در کنار مسجد الحرام ما بین صفا و مروه نیز قرار داشته است (من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۳۲، پاورقی ۱، تحقیق غفاری)؛ همچنین ر.ک: (تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۶، ص ۲۷۲).

۹. الکافی، ج ۵، ص ۳۰۷، حدیث ۱۵.

۱۰. لسان العرب، ج ۶، ص ۲۲۸.

۱۱. سوق الحناتین و النحاسین در مکه و در کنار مسجد الحرام ما بین صفا و مروه نیز قرار داشته است (من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۳۲، پاورقی ۱، تحقیق غفاری)؛ همچنین ر.ک: (تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۶، ص ۲۷۲).

۱۲. الکافی، ج ۴، ص ۵۵۵.

۱۳. محمد فطانی، صحیفة عکاظ، ۲۹ یونیو ۲۰۱۳ مکه المكرمة.

در شهر مکه و در دوران حضرت رسول ﷺ و امیر المومنین علی علیه السلام برپا بوده است.<sup>۱</sup> همچنین با همین نام بازاری در مدینه قرار داشته<sup>۲</sup> که گزارش حدیثی آن از امام صادق علیه السلام نقل شده و این بازار در مکه در سال ۲۶۵ قمری<sup>۳</sup> و ۲۸۱ قمری<sup>۴</sup> نیز برپا بوده است.

۲۶. سوق الزيت: ° زیت در لغت به معنای روغن زیتون می‌باشد.<sup>۶</sup> این بازار در زمان رسول خدا برپا بوده<sup>۷</sup> و ظاهراً در مدینه قرار داشته است.

۲۷. سوق القطن: <sup>۸</sup> در متن حدیث نیامده است بلکه پایان سند ذکر شده است که به دوره امام حسن عسکری علیه السلام باز می‌گردد. و در بغداد واقع بوده است.<sup>۹</sup>

۲۸. سوق عکاظ: <sup>۱۰</sup> این بازار در دوره جاهلیت بوده و کالاهای مختلفی از جمله پارچه و لباس در آن خرید و فروش می‌شده است و در مکه و نزدیک به شهر طائف تخمین زده‌اند.<sup>۱۱</sup> امروزه مکانی برای بازدید به‌عنوان آثار باستانی می‌باشد.<sup>۱۲</sup> احادیث ناظر به دوران حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

۲۹. سوق حباشة<sup>۱۳</sup> (خباشة): <sup>۱۴</sup> در تهامه<sup>۱۵</sup> که سرزمین وسیعی بوده و مکه جزئی از آن به‌شمار

۱. بلاغات النساء، ص ۲۱۷.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۵۵۵.

۳. الغیبة (للنعمانی)، ص ۹۲.

۴. دلائل الإمامة، ص ۵۴۶.

۵. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۸، ص ۷۸.

۶. لسان العرب، ج ۲، ص ۳۶.

۷. الکافی، ج ۱۵، ص ۱۹۶، حدیث ۴۴.

۸. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۰۵.

۹. همان.

۱۰. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۱۶۶.

۱۱. حتی اکتشفه و حدّد موقعه المؤرّخ محمد بن عبدالله البلیهد فی مکان قریب من الطائف.

۱۲. "Souq Okaz", tripadvisor.com, Retrieved ۲۷-۱۱-۲۰۱۹. Edited

۱۳. کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۵۱۰.

۱۴. در برخی نسخه‌های حدیثی همانند اعلام الوری بأعلام الهدی، النص، ص ۱۴۰ «خباشة» ذکر شده است که نشان از تصحیف دارد. چراکه لغت و منابع جغرافیایی به «حباشه» تصریح دارند. و از طرفی خباشه نام یک فرد است (تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۹، ص ۱۰۱).

۱۵. برخی آنرا نام دیگر مکه و برخی آنرا نام سرزمین وسیعی که مکه جزء آن است معرفی کرده‌اند. المصباح

می‌آمده<sup>۱</sup> قرار داشته و از بازارهای دوره جاهلیت و متعلق به بنی قنقاع بوده است.<sup>۲</sup>

۳۰. سوق بنی الحاضر:<sup>۳</sup> ناظر به دوران حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بوده و اشاره به قبیله خاص دارد.

۳۱. سوق الأهواز:<sup>۴</sup> در ایران و منطقه خوزستان و شهر اهواز قرار داشته<sup>۵</sup> و حدیث درباره آن ناظر به دوران حضرت علی علیه السلام است. این بازار توسط حرقوص تأسیس شده که بعدها از خوارج شد و در جنگ خوارج کشته شد.<sup>۶</sup>

۳۲. سوق البراذین<sup>۷</sup> بزازین:<sup>۸</sup> بازار «بزازین» در کوفه و در دوران حضرت علی علیه السلام برپا بوده است.<sup>۹</sup> همچنین شواهد حدیثی در منابع عامه بر وجود چنین بازاری در دوران حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه وجود دارد.<sup>۱۰</sup> بزازین جمع برذون به معنای «چهار پا و نوعی اسب» است.<sup>۱۱</sup> در دوران حضرت علی علیه السلام بازاری با عنوان بزازین وجود نداشته ولی احادیث در مورد زکات و صدقه و رکوب آن صادر شده است.<sup>۱۲</sup>

۳۳. سوق بغل:<sup>۱۳</sup> حدیث در رابطه با بنی اسرائیل و کشتن پیامبرانشان و برپا بودن بازار با وجود

المنیر، ص ۷۷-۷۸.

۱. کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۷۰۶.

۲. تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۹، ص ۸۰.

۳. مدینه معاجز الأئمة الإثنی عشر، ج ۲، ص ۶۷.

۴. دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۵۳۲.

۵. در اصل احواز بوده است در برخی منابع نام دیگر آن شهر «هرمز شهر» بوده است. نزدیک به بصره بوده است. ص ۲۸۴ - کتاب معجم البلدان.

۶. تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۹، ص ۲۵۳.

۷. منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (خوئی)، ج ۱۸، ص ۳۱، وقعة صفین، ص ۹۴.

۸. در برخی نسخها «بزازین» نیز آمده است.

۹. بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۱۰.

۱۰. کتاب المصنف ابن أبی شیبة، ص ۴۱.

۱۱. لسان العرب، ج ۱۳، ص ۵۱.

۱۲. الکافی، ج ۳، ص ۵۳۰.

۱۳. بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۴۷، حدیث ۴۹.

قتل پیامبران اشاره دارد بغل به معنای گیاهی یا جوانه که از روی زمین رویید باشد.<sup>۱</sup>

۳۴. سوق الصاغة: <sup>۲</sup> این بازار در کوفه بوده است. <sup>۳</sup> در سال ۲۵۸ قمری در عصر امامت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام برپا بوده<sup>۴</sup> و در آن رنگرزی و کالاهای مرتبط با آن خرید و فروش می شده است.

۳۵. سوق الطعام: <sup>۵</sup> خرید و فروش غلات و مواد غذایی در آن انجام می شده و این بازار در مکه قرار داشته و در نزدیکی مسجدالحرام واقع شده بوده است. <sup>۶</sup> حدیث ناظر به آن به دوران حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد گفتگوی میان ورقه بن عبدالله و فضه کنیز حضرت زهرا علیها السلام اشاره دارد.<sup>۷</sup>

۳۶. سوق الجبل: <sup>۸</sup> این بازار در مناطق مرتفع (کوهستانی) برپا بوده و حدیث ناظر به دوران امام رضا علیه السلام است که البته در متن آن احتمال تصحیف «خیل، جیل» داده شده است.<sup>۹</sup> منظور از کوه، ارتفاعات همدان و کردستان می باشد.<sup>۱۰</sup>

۳۷. سوق الغنم: <sup>۱۱</sup> حدیث ناظر به دوران حضرت امام حسین علیه السلام و شهادت مسلم بن عقیل است. که در کوفه بازاری بوده است که برای فروش گوسفندان استفاده می شده است.<sup>۱۲</sup> در حدیثی نیز «سوق الغنم» ذکر شده است که ناظر به دوران حضرت امام جواد علیه السلام است.<sup>۱۳</sup> مکان بازار روشن نیست البته احتمال اینکه در همان کوفه واقع شده باشد وجود دارد.

۱. المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ج ۲، ص ۵۸.

۲. الهدایة الکبری، ص ۳۳۲.

۳. همان.

۴. همان.

۵. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۷۴.

۶. همان.

۷. همان.

۸. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۵۸، حدیث ۷۹۲.

۹. روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۴۷.

۱۰. همان.

۱۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۹، ص ۷۲.

۱۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۴، ص ۳۵۸.

۱۳. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۹، ص ۷۲.





۳۸. سوق البیخ: <sup>۱</sup> این عبارت در متن الحدیث نیامده است و تنها در عبارات شیخ مفید (ره) ذکر شده است که تصحیف عبارت «سوق الفروش» که خلط فارسی و عربی بوده است. <sup>۲</sup>

۳۹. سوق العطش: <sup>۳</sup> حدیث از زبان مبارک رسول خدا ﷺ در مورد امامت حضرت مهدی علیه السلام است. <sup>۴</sup> با توجه به قرائن در متن الحدیث این بازار مربوط به دوره غیبت صغری و در بغداد قرار داشته است. <sup>۵</sup>

۴۰. سوقکم، <sup>۶</sup> أسواقهم، سوقنا، سوقک (دکان): عبارت‌های عامی که به بازار متعلق به قبیله یا شهر یا شخص بوده است که اشاره به مکان یا بازار خاصی ندارد.

### تحلیل دلالتی احادیث در بردارنده واژه «سوق» به معنای بازار

پس از گذر از تفصیل مطالب مطرح شده در باب مفهوم‌شناسی و موقعیت‌یابی و تعیین بازه زمانی در مفهوم بازار در احادیث شیعه ذکر چند نکته بسیار مهم و ضروری می‌نماید:

یک) تعدد عناوین مطرح شده به معنای تعدد واقعیت خارجی این بازارها نبوده، بلکه ممکن است برخی از این موارد بازتاب یک حقیقت خارجی باشند به عنوان نمونه «سوق القمیص» عنوان دیگری برای «سوق الکرابیس» می‌باشد که هر دو از یک بازار است که در کوفه قرار داشته‌اند.

دو) تعدد بازارها در یک منطقه جغرافیایی همچون «سوق الکوفه»، سوق الکرابیس، سوق التمارین، سوق السمک» را می‌توان به سه صورت ترسیم نمود:

۱. وجود یک بازار بزرگ متشکل از بخش‌های متعدد، همچون «سوق الکوفه» که شامل بخش‌های متعددی همچون «سوق السمک»، «سوق الکرابیس»، «سوق التمارین» بوده است. این احتمال بسیار قوی است خصوصاً با قرائنی همچون «من سوق إلی سوق» که حضرت علی علیه السلام در میان بازارهای کوفه قدم می‌زدند و مردم را توصیه و تذکر می‌دادند.
۲. نزدیکی جغرافیایی آن به یکدیگر: بدین معنا که این بازارهای در کنار هم و در نزدیکی یکدیگر قرار داشته است.

۱. الثاقب فی المناقب، ص ۲۳۶.

۲. همان پاورقی ۲، علوان نبیل رضا.

۳. الهدایة الکبری، ص ۲۴۸.

۴. احتمال اختلاط متن حدیث با شرح الحدیث وجود دارد. مقایسه متن الهدایة، با دلائل الإمامة و مناقب ابن شهر آشوب.

۵. همان؛ مراجعه شود به التمیص، ص ۱۵.

۶. المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۴.

۳. تفاوت بازه زمانی، به‌عنوان نمونه «سوق الصاعه» که در دوران امام حسن عسکری علیه السلام برپا بوده است و در کوفه قرار داشته است. احتمال اینکه بازار جدیدی باشد که در دوره حضرت علی علیه السلام وجود نداشته، وجود دارد. هرچند این احتمال از ذهن به دور است؛ چراکه عموماً بازارهای بزرگ دوران طولانی برپا بوده‌اند. نوع بافت ثابت جغرافیایی در گذشته و تغییرات جزئی و عدم گزارش مبنی بر تغییرات کلان شهری در احادیث می‌تواند دلیلی بر این پندار باشد. چهار) وجود یک بازار در یک شهر به معنای نبود نوع آن بازار یا هم‌نام آن بازار در شهر دیگر نمی‌باشد؛ بلکه صرفاً اثبات برپایی آن بازار در شهری است که متن حدیث به آن متعرض شده است. چه‌بسا بازاری مانند «سوق الإبل» در شهرهای مختلفی وجود داشته امام به‌دلیل حضور امام معصوم در شهری همچون کوفه و حضور معصومان همچون حضرت علی علیه السلام در آن، احادیث نیز تنها به شهر کوفه و دوران ایشان علیه السلام اشاره کرده‌اند و این به معنای نفی وجود چنین بازاری در شهر دیگر نمی‌باشد.

پنج) بازارهای ذکرشده و تعیین بازه زمانی آن بر اساس گزارشات حدیثی بدین معنا است که این بازارها در زمان صدور حدیث از امام معصوم علیه السلام برپا بوده است. این برداشت به معنای نفی برپایی این بازار در بازه‌های زمانی دیگر نیست؛ بلکه بدین معناست که احادیث واردشده قرینه برپایی این بازار در زمان صدور حدیث دلالت دارند. به‌عنوان نمونه «أسواق دمشق» که در عصر کنونی نیز برپا است<sup>۱</sup> و گزارشات تاریخی قدمت آن را به قبل اسلام نیز نسبت داده‌اند در دوران امام سجاده علیه السلام به قرینه متن حدیثی که واژه «أسواق دمشق» از ایشان را دربر دارد می‌توان نتیجه گرفت این بازار در آن بازه زمانی برپا بوده است. نسبت به قبل یا بعد نفی یا اثباتا سخنی به میان نیامده و در نتیجه هر آنچه از مفهوم یا جغرافیا یا بازه زمانی در بازارها ذکر شده صرفاً مستدل به متن الحدیث می‌باشد. شش) مفهوم بازارها و نوع کالاهای تبادل شده یا ماهیت بازار آن طبق نام‌گذاری‌ها نیز همچون مطلب سابق، مربوط به متون حدیثی صادره شده است.

### نتیجه‌گیری

۱. مفهوم‌شناسی از بازار در دوره حضور معصومان علیهم السلام و تعیین موقعیت جغرافیایی آن و تخمین بازه زمانی فعالیت آن از جمله مباحث مهم و پرکاربرد در علوم مختلف اسلامی و انسانی می‌باشد و بررسی این مفهوم در دامنه کتاب و سنت، زمینه و خمیرمایه بسیاری از پژوهش‌ها در علوم

۱. أسواق دمشق [www.damascus.gov.sy](http://www.damascus.gov.sy).

مختلف می‌باشد. از سوی دیگر پردازش این واژه در کتاب و سنت می‌تواند در فهم این دو ماندگار گران‌سنگ اثر فراخوری داشته باشد. همچنین در تحلیل متنی و دلالتی احادیث شیعه و برون‌رفت از آسیب‌های همچون تصحیف و اشتراکات اسمی، خلط میان مفهوم و مصادیق آن باشد که به نمونه‌های از آن در مقاله اشاره شد.<sup>۱</sup>

۲. واژه سوق معادل بازار در فارسی می‌باشد. این واژه دارای معانی دیگری همچون «روانه ساختن، راندن و...» نیز می‌باشد.

۳. آبرواژه «سوق» معادل «بازار» در زبان فارسی در دامنه قرآن کریم تنها دو بار ذکر شده است.

۴. واژه «سوق» به صورت مفرد و جمع و همچنین همراه «ال» و بدون آن در دامنه کتاب و سنت به فراوانی یافت می‌شود. این فراوانی در حدود ۱۴۰۶ مورد می‌باشد.

۵. در قرآن کریم «سوق» به معنای بازار تنها دو بار استعمال شده است. که هر دو با صیغه جمع بکار رفته‌اند. بازار در این دو آیه قرآنی اشاره به مکان و زمان مشخصی ندارد. بلکه اصل رفت‌وآمد پیامبران الهی در بازار و خرید و فروش ایشان در میان مردم مورد نظر است.

۶. در احادیث شیعه، واژه «سوق» به معنای بازار با حالات مختلف مفرد و جمع و دارای «ال» و بدون آن ذکر شده است و ۱۴۰۴ مورد از این واژه در منابع حدیثی یافت شد. که به جزء موارد اندکی همه موارد به معنای «بازار» می‌باشد.

۷. یافته‌های حدیثی در بردارنده واژه «سوق» به معنای بازار را در گونه‌های ذیل شناسایی ساماندهی نمود: بدون قید، قیدهای عام و قید خاص (مکان، زمان، گروه، کالا، حرفه).

۸. با مراجعه به متون حدیثی و شرح الحدیثی و با توجه به قرائن متنی و دلالتی می‌توان موقعیت و بازه زمانی برپایی اغلب این بازارها را به دست آورد که به تفصیل به آن اشاره شد.

۹. وجود یک بازار در یک منطقه به معنای نبود آن بازار یا هم نام آن در مناطق دیگر نمی‌باشد. بلکه این پژوهش با هدف بررسی بازارهای موجود در دوره حضور معصومان که در دامنه کتاب و سنت بازتاب شده‌اند به تعیین موقعیت و بازه زمانی آن پرداخت است و جنبه اثباتی نسبت به گزارشات دارد و هرگز نتیجه انحصار بازارها در موارد مذکور و برپایی آن فقط به بازه زمانی تخمین شده یا اختصاص به موقعیت جغرافیایی تعیین شده را منعکس نمی‌کند.

۱۰. توجه شود این مقاله بدون اعتبارسنجی احادیث وارده شده و پرداختن به صحت صدور سند و متن احادیث مطرح شده با هدف بهره‌گیری از همه قرائن در کلان مفهوم بازار، تدوین شده است. از جمله لوازم بهره‌گیری حداکثری از دامنه حدیث شیعه در چنین پژوهش‌های می‌باشد.

۱. به عنوان نمونه مراجعه شود به سوق البراذین و بزازین که احتمال اشتراک یا تعدد بازار به خاطر اختلاف نسخه وجود دارد.

هرچند احتمال جعل حدیث یا وجود ضعف در آن خللی در برداشت‌های دلالتی که در دایره مباحث مهم عقیدتی یا فقهی نیست خللی به احادیث ذکرشده وارد نمی‌کند. بلکه در نهایت انگیزه جعل در برداشت کلی از مفهوم حدیث است و نه بخشی از واژه‌های آن که در مفهوم کلی اثر گذار نیستند. باوجود این برای صحت از سند یا متن حدیث نیاز به پژوهش مستقل است و خواننده گرامی نباید اطلاعات مطرح‌شده در مقاله به‌سان پذیرش اعتبار آن پندارد.

۱۷۴

حوزه  
حکایت

تاسی

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. الإستبصار فيما اختلف من الأخبار، طوسی، محمد بن الحسن، محقق و مصحح: خراسان، حسن الموسوی، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۹۰ق.
۳. أسواق العرب فی الجاهلیة والإسلام، سعید بن محمد بن أحمد الأفغانی، بی نا، بی تا (المکتبة الشاملة)
۴. أسواق دمشق، [www.damascus.gov.sy](http://www.damascus.gov.sy).
۵. أعلام الدین فی صفات المؤمنین، دیلمی، حسن بن محمد، محقق و مصحح: مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۸ق.
۶. إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - القديمة)، طبرسی، فضل بن حسن، تهران: اسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۰ق.
۷. الأمالی، نویسنده: مفید، محمد بن محمد، محقق و مصحح: استاد ولی، حسین و غفاری علی اکبر، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۸. الأنوار فی مولد النبی صلی الله علیه و آله، بکری، احمد بن عبدالله، محقق و مصحح: روحانی، احمد، قم: دارالشریف الرضی، ۱۴۱۱ق.
۹. بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق و مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۱۰. بلاغات النساء، ابن أبی طاهر، احمد بن أبی طاهر، قم: الشریف الرضی، بی تا.
۱۱. تاج العروس من جواهر القاموس، حسینی زبیدی، محمد مرتضی، محقق و مصحح: علی، هلالی و سیری، علی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۲. تاریخ الطبری، تاریخ دمشق لابن عساکر
۱۳. تاریخ الطبری = تاریخ الرسل والملوک، وصلة تاریخ الطبری، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الآملی، أبو جعفر الطبری، بیروت: دارالتراث، چاپ دوم، ۱۳۸۷ق.
۱۴. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، محقق و مصحح: درگاهی، حسین، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۶۸ ش.
۱۵. التمهیص، ابن همام اسکافی، محمد بن همام بن سهیل، محقق و مصحح: مدرسه امام

- مهدي عليه السلام، قم: مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ١٤٠٤ق.
١٦. تهذيب الأحكام، طوسی، محمد بن الحسن، محقق و مصحح: خرسان، حسن الموسوی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ١٤٠٧ق.
١٧. الثاقب فی المناقب، ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، محقق و مصحح: علوان، نبیل رضا، قم: انصاریان، چاپ سوم، ١٤١٩ق.
١٨. الخصال، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین، ١٣٦٢ش.
١٩. دعائم الإسلام، ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، محقق و مصحح: فیضی، آصف، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، چاپ دوم، ١٣٨٥ق.
٢٠. دلائل الإمامة، طبری أملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، محقق و مصحح: قسم الدراسات الإسلامیة مؤسسة البعثة، قم: بعثت، ١٤١٣ق.
٢١. روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، محقق و مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهاردی علی پناه، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چاپ دوم، ١٤٠٦ق.
٢٢. سایت جامع الأحادیث، [www.hadith.inoor.ir](http://www.hadith.inoor.ir).
٢٣. صحیفة عکاظ فطانی محمد، ٢٩ یونیو ٢٠١٣ مکه المکرمة، مقاله محمد فطانی، [www.okaz.com.sa](http://www.okaz.com.sa).
٢٤. صحیح البخاری، أبو عبدالله محمد بن إسماعیل البخاری الجعفی، محقق: د. مصطفی دیب البغا، دمشق، دار ابن کثیر، دار الیمامة، چاپ پنجم، ١٤١٤ - ١٩٩٣م.
٢٥. عوالم العلوم و المعارف و الأحوال - الإمام علی بن أبی طالب عليه السلام، بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نور الله، محقق و مصحح: موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، قم: مؤسسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، چاپ دوم، ١٣٨٢ش.
٢٦. عوالم اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ابن أبی جمهور، محمد بن زین الدین، محقق و مصحح: عراقی، مجتبی، قم: دار سید الشهداء للنشر، ١٤٠٥ق.
٢٧. الغارات، ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، محقق و مصحح: حسینی، عبدا زهراء، قم: دارالکتب الإسلامی، ١٤١٠ق.

۲۸. الغيبة (للطوسی) و کتاب الغيبة للحجة، طوسی، محمد بن الحسن، محقق و مصحح: تهرانی، عباد الله و ناصح، علی احمد، قم: دارالمعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق.
۲۹. الغيبة (للنعمانی)، نویسنده: ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
۳۰. فرهنگ ابجدی، بستانی، فؤاد افرام و مهیار، رضا، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش.
۳۱. قرب الإسناد، حمیری، عبدالله بن جعفر، محقق و مصحح: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۳ق.
۳۲. کتاب العين، فراهیدی، خلیل بن أحمد، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۳۳. الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق و مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۳۴. کتاب سلیم بن قیس الهمدانی، هلالی، سلیم بن قیس، محقق و مصحح: انصاری زنجانی خوئینی، محمد، قم: الهادی، ۱۴۰۵ق.
۳۵. كشف الغمة فی معرفة الأئمة، اربلی، علی بن عیسی، محقق و مصحح: رسولى محلاتی، هاشم، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۳۶. کمال الدین و تمام النعمة، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، تهران: اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
۳۷. لسان العرب، ابن منظور، محمد بن مکرم، محقق و مصحح: میر دامادی، جمال الدین، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۳۸. اللهوف علی قتلى الطفوف و ترجمه فهري، ابن طاووس، علی بن موسی - فهري زنجانی، احمد، تهران: جهان، ۱۳۴۸ش.
۳۹. مجموعه وژام، آداب و اخلاق در اسلام و ترجمه تنبیه الخواطر، ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی - عطایی، محمد رضا، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹ش.
۴۰. المحاسن، برقی، احمد بن محمد بن خالد، محقق و مصحح: محدث، جلال الدین، قم: دارالکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
۴۱. مدينة معاجز الأئمة الإثني عشر، بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، قم: مؤسسة المعارف

- الإسلامية، ١٤١٣ق.
٤٢. مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، نوري، حسين بن محمد تقى، محقق و مصحح: مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ١٤٠٨ق.
٤٣. المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير، فيومى، أحمد بن محمد، قم: موسسه دارالهجرة، چاپ دوم، ١٤١٤ق.
٤٤. المصنف، أبو بكر عبدالله بن محمد بن أبى شيبة العبسى الكوفى (ت ٢٣٥ هـ)، محقق: سعد بن ناصر بن عبدالعزيز أبو حبيب الشثرى، رياض: دار كنوز إشبيليا للنشر والتوزيع، ٢٠١٥م.
٤٥. معجم البلدان، شهاب الدين أبو عبدالله ياقوت بن عبدالله الرومى الحموى (ت ٦٢٦ هـ)، بيروت: دار صادر، چاپ دوم، ١٩٩٥م.
٤٦. المعجم الوسيط، مجمع اللغة العربية بالقاهرة (إبراهيم مصطفى و أحمد الزيات و حامد عبدالقادر و محمد النجار)، بى جا، دارالدعوة، بى تا.
٤٧. مكارم الأخلاق، طبرسى، حسن بن فضل، قم: شريف رضى، چاپ چهارم، ١٤١٢ ق و ١٣٧٠ش.
٤٨. من لا يحضره الفقيه، نويسنده: ابن بابويه، محمد بن على، محقق و مصحح: غفارى، على اكبر، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم: چاپ دوم، ١٤١٣ق.
٤٩. مناقب آل أبى طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)، ابن شهر آشوب مازندرانى، محمد بن على، قم: علامه، ١٣٧٩ق.
٥٠. المناقب و الكتاب العتيق، علوى، محمد بن على بن الحسين، محقق و مصحح: موسى بروجردى، حسين، قم: دليل ما، ١٤٢٨ق.
٥١. منهاج البراعة فى شرح نهج البلاغة، هاشمى خويى، ميرزا حبيب الله و حسن زاده آملى، حسن و كمرهاى، محمد باقر، محقق و مصحح: ميانجى، ابراهيم، تهران: مكتبة الإسلامية، چاپ چهارم، ١٤٠٠ق.
٥٢. تفسير القمى، قمى، على بن ابراهيم، محقق و مصحح: موسى جزائرى، طيب، قم: دارالكتاب، چاپ سوم، ١٤٠٤ق.
٥٣. نوادر المعجزات فى مناقب الأئمة الهداة عليهم السلام، طبرى آملى صغير، محمد بن جرير بن رستم، محقق و مصحح: اسدى، باسم محمد، قم: دليل ما، ١٤٢٧ق.



۵۴. وسائل الشيعة، شيخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق و مصحح: مؤسسة آل البيت عليه السلام،

قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۹ق.

۵۵. وقعة صفين، نصر بن مزاحم، محقق و مصحح: هارون، عبدالسلام محمد، قم: مكتبة آيت الله

المرعشي النجفي، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.

۵۶. الهداية الكبرى، خصيبي، حسين بن حمدان، بيروت: البلاغ، ۱۴۱۹ق.

